

نور و ثبات در زمان های نامشخص

اتسالونیکیان ۵، ۱ - ۱۱



1 اما درباره وقتها و زمانها، ای برادران، نیازی نیست چیزی به شما بنویسم. 2 زیرا خود نیک می دانید که روز خداوند همچون دزدی که شب هنگام می آید، فرا خواهد رسید. 3 آن زمان که مردم می گویند: «صلح و امنیت حکمفرماست»، ناگهان هلاکت بر ایشان نازل خواهد شد، بدانسان که زن آبستن به درد زایمان دچار شود، و از آن گریزی نخواهد بود.
4 اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد غافلگیرتان کند.
5 شما همه فرزندان نور و فرزندان

روزید؛ ما به شب و به تاریکی تعلق نداریم. 6 پس همانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار 6:5 یا «خوبستندار»؛ همچنین در آیه ۸. ۷. ۸. باشیم. 7 زیرا آنان که می خوابند، شب هنگام می خوابند، و آنان که مست می کنند، شب هنگام مست می کنند. 8. اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هوشیار باشیم، و ایمان و محبت را همچون زره سینه پوش بر تن کنیم، و امید نجات را همچون کلاه خود بر سر نهیم. 9 زیرا خدا ما را نه برای غضب، بلکه برای کسب نجات به واسطه خداوندمان عیسی مسیح تعیین کرده است، 10 که به خاطر ما مرد، تا چه بیدار باشیم و چه خفته، 10:5 یعنی: «چه زنده باشیم، چه مرده.» با او زندگی کنیم. 11. پس یکدیگر را تشویق و تقویت کنید، چنانکه اکنون نیز می کنید.

مردم دوست دارند بدانند چه اتفاقی در آینده خواهد افتاد. به همین دلیل فیلم هایی درباره آینده ساخته شده اند و همیشه پیامبرانی بوده اند و هنوز هستند که دوست دارند پیش بینی های خود را درباره آینده ابراز کنند. امروز نیازی به پیامبری نیستید تا بدانید که دنیا به پایان خواهد رسید. پیش بینی های علمی درباره تغییر آب و هوا و سایر بلاها به ما هشدار می دهند که جهان سرانجام در حد نهایی خود خواهد بود. و همه چیز به پایان خواهد رسید. در کتاب مقدس، روز قیامت کمتر به فاجعه ای مربوط می شود و بیشتر در برای این واقعیت است که خداوند ما عیسی دوباره خواهد آمد. دقیقاً همانطور که هر روز یکشنبه در ایمان نامه رسولان به آن اعتراف می کنیم: " و از آنجا خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید. " در کتاب مقدس این سوال که چه خواهد آمد، مطرح نشده است. بلکه این سوال مطرح می شود: چه کسی به ما می آید؟ این وقت، هنگامی که خداوند ما عیسی بازگشت، کاملاً از دید ما انسانها پنهان مانده است. ما فقط یک چیز را می دانیم: روز داوری فرا می رسد که کسی انتظار آن را ندارد. ناگهان او همانند یک دزد در شب آنجاست. خطر این است که ما مسیحیان نیز در انتظار عیسی متوقف خواهیم شد. مثل ۱۰ دختر جوان توضیح می دهد که ۵ زن دیگر منتظر داماد نیستند. بنابراین روغن آنها در لامپهایشان تمام شد. و وقتی که عیسی آمد آماده نبودند. امروزه افراد زیادی هستند که مانند آن دخترهای جوان امید در مورد بازگشت عیسی را قطع کرده اند. در عوض، آنها در تلاشند تا آینده ای زمینی را پیدا کنند. چه زمانی دانشمندان سرانجام واکنشی ضد بیماری همه گیر کرونا پیدا می کنند؟ بالاخره چه زمانی خواهیم توانست دوباره به زندگی عادی برگردانیم؟ چگونه می توانیم با دیگر چالش های سخت دنیای بر خورد دار بیابیم؟ وقتی این خط ها را می نویسم، بسیاری با نگرانی شدید درباره نتیجه انتخابات در ایالات متحده آمریکا فکر می کنند. چه اتفاق می افتاد اگر...؟ اگر نتیجه انتخابات جنجالی باشد یا بلافاصله آشکار نشود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا می تواند ایالات متحده و همه دنیا را به فاجعه دیگری بکشاند؟ منظور من این نیست که ما مسیحیان باید خود را از بسیاری از سوالات این جهان جدا کنیم. این موارد ها همچنین بخشی از مسئولیت مسیحی ماست که با محیط زیست مسئولیت پذیرانه رفتار کنیم. و مهم این است که ما مسیحان به دنبال بهترین شرایط در شهر باشیم. و با این وجود وقتی که به آینده نگاه می کنیم، دیدگاه کاملاً متفاوتی نسبت به سایر افراد داریم. در نامه ای به تسالونیکیی ها، پولس این نگاه را به ما نشان می دهد. بسیاری از اتفاقاتی که در این دنیا می افتد دارای یک محدودیت زمانی است. بنابراین این موارد نمی توانند ما را نگران کنند. آنها نمی توانند ما را نگران کنند زیرا ما در کنار آینده این دنیا، آینده را در خدا می بینیم. این روزها ما جشن سقوط دیوار در المان را جشن می گیریم. و از آنجا که ما در اینجا در لایپزیگ زندگی می کنیم، من اکنون افراد زیادی را ملاقات کرده ام که به وضوح آنچه را که هنگام سقوط شدن دیوار برای آنها اتفاق افتاده توصیف می کنند. من گزارشی از یک کشیش و همسرش را به خصوص

چشمگیر دیدم. وی با همسرش در دهکده ای کوچک و نه چندان دور از مرز غرب آلمان زندگی می کرد. وقتی گفته شد مرزها باز است، کل روستا از مرز عبور می کردند. همه آنها می خواستند آنچه را که برای دهه ها به شدت ممنوع بود انجام دهند. به غرب آلمان بروند! کشیش گزارش داد که کل روستا خالی بود. فرار نبوده کسی دیده شود. کشیش خودش از مرز عبور نکرد. حداقل نه بلافاصله، در عوض، او با همسرش به کلیسا رفت. و برای اولین بار آنچه را که قبلاً امکان پذیر نبود انجام دادند... آنها درهای کلیسا را کاملاً گشودند و آواز خواندند و با آواز و ارگ با صدای بلند بازی کردند: "اکنون خدا را ستایش بگو!"، به طوری که آهنگ های سرود مداحی در کل روستا طنین انداز شد. آرامشی که آنها با این کار انجام دادند نمونه ای از نحوه برخورد ما مسیحیان با حوادث این جهان است. مرز در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ باز بود. بسیاری در این مورد سرخوشی داشتند. همچنین کشیشی که من در مورد آن گزارش دادم. اما با آگاهی از آسمان که مدتها پیش باز شده است، به او پناهگاه آرامش داده است. در زمان کمونسم و همچنین در زمان باز شدن مرزها. ما مسیحیان در برابر وقایع جهان خود بی تأثیر نیستیم. اما ما در جایی که دیگران ناراحت می شوند هوشیار و آرام می مانیم. مسیحیان می بینند آنچه در جهان ما اتفاق می افتد مانند یک نمایش تئاتر. تکنسین های روشنائی در چنین تئاتری می توانند کارهای زیادی را در زمینه نورپردازی انجام دهند. هنگامی که یکی از بازیگران در حال صحبت است، ناگهان روشن می شود در حالی که دیگران تاریک باقی می مانند. گاهی اوقات تکنسین های روشنائی بازیگر را با رنگ های تیره روشن می کنند. این حالت احساس مثبت یا منفی ایجاد می کند. اما این نورپردازی فقط واقعیت را تعبیر می کنند. اگر برق قطع شود، همه روشنائی یکسانی دارند. پولس امروز به ما می گوید بسیاری از اتفاقاتی که در این دنیا برای ما می افتد شبیه به چنین چراغ های صحنه ای است. آنها چیزی واقعی نیستند. آنها فقط یک حقه بازی هستند. و بعد از مدت کوتاهی، آنچه امروز ما را نگران می کرد، به پایان خواهد رسید. با نور خدای ما کاملاً متفاوت است. نور خدا در اطراف ما حضور خدا را ثابت می کند. خداوند پر از عشق، نور و گرما است. و نور خدا مثل چراغ صحنه نیست، رفتار خدا همیشه صادق است. و این خدا ما را با نور خود روشن می کند و به ما می گوید که ما چه کسی هستیم و آبرو ما کجاست. ما فرزندان خدا هستیم! و چون ما فرزندان خدا هستیم، اجازه می دهیم نور خدا ما را راهنمایی کند و هیچ نور دیگری اجازه ندهیم ما را حرکت کنیم. ما می توانیم از نور دنیا غافل شویم زیرا می دانیم که واقعاً آینده ای در خدا داریم. زیرا خداوند مدتهای پیش آینده ما را رقم زده است:

9 زیرا خدا ما را عصبانی نساخته، بلکه نجات ما را از طریق پروردگار ما عیسی مسیح تعیین نکرده است، 10 که برای ما درگذشت تا بیدار شویم یا بخوابیم با او زندگی کنیم

بله، در خدا همه ما آینده داریم. با وجود بیمار یا غمگین و همچنین با وجود فقیر و ضعیف یا پیر، خدا در کنار ماست. نور خدا هم افرادی را که نگران همه گیری کرونا هستند درخشد. و همچنین به افرادی که در بحران مهیبی قرار دارند درخشد. همه آینده دارند زیرا از طریق عیسی در پرتو خدا هستند. نجات که از طریق عیسی دریافت کردیم، ما را محکم نگه می دارد. از طریق عیسی ما مانند یک فانوس دریایی هستیم. ما توسط موج های بسیار بزرگ و خطرناکی ضربه می شویم. درست است. و اما ما متوقف نمی شویم. چرا؟ زیرا سرنوشت ما بر ما و آینده ما در اینجا روی زمین بنا نشده است، بلکه بر اساس خدا ساخته شده است! ما هوشیارانه به چیزهایی که در جهان ما اتفاق می افتد نگاه می کنیم. اما ما به همان هوشیاری در مورد نجاتی که از طریق عیسی برقرار شد، می دانیم. آینده ما در آنجا مهر و موم شده و ثابت است. و خدا این مهر و موم تنها در آینده در بهشت به ما نمی دهد، بلکه هم اکنون. الان هرکجا که نیاز داریم به ما می دهد. مخصوصاً وقتی دیگر نمی دانیم چه کاری باید بکنیم. خداوند به ما زرهی می دهد تا ما را در برابر حملات جهان تقویت کند. زره پوش ایمان و عشق بدن ما را از تیرهای شیطان که در این دنیا هستند، محافظت می کند. ما اجازه نمی دهیم نفرت از این دنیا ما را دل سنگین و تلخ کند. و به عنوان کلاه ایمنی به رستگاری که در انتظارمان است امید داریم.

به همین دلیل است که از قبل می توانیم با هیجان در این زندگی انتظار داشته باشیم که خدا امروز و فردا چه قدمهایی را برمی دارد. به همین دلیل است که ما مراسم عبادی را جشن می گیریم. آینده ای که در خدا و در آن قرار داریم دور نیست. الان شروع می شود. زیرا عیسی فقط فردا و روز آخر با ما نیست. او در حال حاضر وجود دارد! آمین